

نقد و بررسی کتاب

خسرو ناقد

IRANISTIK. Deutsche Zeitschrift für iranische Studien. 1. Jahrgang, 1. Heft, Frühling und Sommer 2002.
Herausgegeben von Omid Tabibzadeh,
Iran-Universitastverlag. 160 Seiten

پژوهشهای ایران شناختی. مجله مطالعات
ایرانی به زبان آلمانی
سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۱
به کوشش امید طیب زاده، مرکز نشر
دانشگاهی، ۱۶۰ صفحه

گامی در گسترش پژوهشهای ایران شناختی

نزدیک به دو سال پیش از این، همکاران «مرکز نشر دانشگاهی» از تهران خبر دادند که در تدارک انتشار مجله ای به زبان آلمانی اند و از من خواستند تا در این راه یاریشان دهم. قرار بود نام (Divan) دیوان را برای آن برگزینند؛ نامی که در سرزمینهای آلمانی زبان تداعی کننده کتاب دیوان غربی - شرقی گوته است و یادآور نام حافظ شیرازی و غزلیات دیوان او. در این میان اما دوستداران شعر و ادبیات عرب در آلمان پیشدستی کردند و مجله ای دوزبانه (عربی و آلمانی) با این نام در آلمان انتشار دادند که نفیس و نیکوست و تا کنون سه شماره از آن هم منتشر شده است. لاجرم مجله مطالعات ایرانی مرکز نشر دانشگاهی تهران، *IRANISTIK* یا «پژوهشهای ایران شناختی» نام گرفت و نخستین دفتر آن در بهار امسال (۱۳۸۱ خورشیدی / ۲۰۰۲ میلادی) به زبان آلمانی انتشار یافت.

در سخن سردبیر مجله که به زبانهای فارسی و آلمانی در سرآغاز دفتر اول آمده است، می خوانیم که:

ایران شناسی سابقه دیرینه و درخشانی در کشورهای آلمانی زبان و خاصه در آلمان دارد،

به حدی که می‌توان آلمان را یکی از پرکارترین و غنی‌ترین حوزه‌های پژوهش‌های ایران شناختی در سراسر جهان دانست... که ملاحظات سیاسی و توصیه‌های حکومتی نقش چندانی در شکل‌گیری آن نداشته است.

امید طیب زاده که سردبیری این مجله را عهده دار شده است، در ادامه می‌نویسد:

از دیگر ویژگی‌های پژوهش‌های ایران شناختی در آلمان، تنوع شاخه‌های گوناگون آن است که شامل زمینه‌هایی چون فقه‌اللغه و زبان شناسی، ادبیات، تاریخ و جغرافیا، مذهب (پیش و پس از اسلام)، هنر و معماری، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی می‌شود. در بسیاری از دانشگاه‌های آلمان گروه‌های زبان و ادبیات فارسی وجود دارد، و هر سال چندین رساله کارشناسی ارشد و دکتری در زمینه‌های گوناگون ایران شناسی به زبان آلمانی به رشته تحریر در می‌آید. علاوه بر اینها، باید از دهها مقاله تحقیقی یاد کرد که همه‌ساله در نشریات گوناگون آلمان و جهان به زبان آلمانی منتشر می‌شود و به مسائل ایران و زبان و فرهنگ فارسی اختصاص دارد و بر عمق و غنای پژوهش‌های ایران شناختی می‌افزاید. به رغم وجود این حجم انبوه مقالات و پژوهش‌های علمی که به زبان آلمانی در زمینه‌های گوناگون پژوهش‌های ایران شناختی منتشر می‌شود، متأسفانه تاکنون مجله‌ای دانشگاهی که صرفاً به انتشار و معرفی چنین آثاری اختصاص داشته باشد، نه در ایران و نه در آلمان، وجود نداشته است... بلکه موضوع وسیع و بالقوه مستقلی همچون پژوهش‌های ایران شناختی در آلمان را ذیل موضوعات کلی دیگری چون «شرق‌شناسی»، «مطالعات خاورمیانه»، «اسلام‌شناسی» یا «آسیا شناسی» قرار می‌دهند.

سردبیر سپس هدف از انتشار این مجله را که قرار است هر شش ماه یک بار منتشر شود، انتشار مقالات و نقدهایی در زمینه‌های گوناگون ایران شناسی می‌داند که به زبان آلمانی تألیف می‌شود؛ تا از یک سو باعث هویت بخشیدن هر چه بیشتر به رشته «پژوهش‌های ایران شناختی» در آلمان شود و از سوی دیگر باعث ترغیب نویسندگان و پژوهشگران آلمانی جوان شود که در یکی از شاخه‌های پژوهش‌های ایران شناختی به تحصیل و تحقیق مشغولند.

پیش از معرفی و بررسی اجمالی مقالات و مطالب اولین شماره مجله «پژوهش‌های ایران شناختی»، باید به نکته‌ای اشاره کنم. در دوسه دهه اخیر، یا دقیق‌تر بگوییم، پس از انقلاب ۱۳۵۷ در ایران، رشته ایران شناسی در دانشگاه‌های سرزمین‌های آلمانی زبان به تدریج رو به افول گذاشت و در مواردی مشخصاً رشته ترک‌شناسی جای آن را گرفت. علل این سیر افولی و غیبت ناگهانی مطالعات ایران شناسی در دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی غرب را می‌توان به اختصار چنین برشمرد: بی‌توجهی مسئولان امور فرهنگی پس از

انقلاب در مقابل توجه مقامات علمی و دانشگاهی در دوران پیش از انقلاب. متأسفانه هم آن توجه و عنایت و هم این بی توجهی و بی اعتنائی، خالی از شائبه های سیاسی و ایدئولوژیکی نبود و نیست. البته در گذشته دوره هایی نیز بود که مطالعات ایران شناسی نه فقط در دانشگاههای کشورهای آلمانی زبان بلکه در جهان، گسترش و پیشرفت چشمگیری داشت. از آن جمله در دوره ای که دکتر علی اکبر سیاسی در دانشگاه تهران با اعطای بورس به دانشجویان خارجی، آنان را تشویق می کرد که در دانشگاه تهران رشته زبان و ادبیات فارسی بخوانند. بی تردید این اقدام در گسترش زبان فارسی به عنوان پایه اصلی ایران شناسی در جهان بی تاثیر نبود و هم اکنون کم نیستند استادان زبان فارسی در گوشه و کنار جهان که دکتری خود را در همین دوره کسب کردند. در دوره ای دیگر، یعنی زمانی که دکتر پرویز نائل خانلری در تصمیم گیریهای علمی - فرهنگی مشارکت مؤثر داشت، وی نیز بدون هیچ شائبه ای در گسترش شاخه های گوناگون ایران شناسی گام برداشت. از جمله فعالیتهای مفید شادروان خانلری، دستچین کردن دانشجویان با استعداد ایرانی رشته های مختلف ایران شناسی و اعزام آنان به دانشگاههای معتبر اروپا و امریکای شمالی بود؛ تا از این طریق به آموزش و پرورش استادان ایرانی یاری رساند. چند سال پیش از این، یکی از همین دانشجویان که اکنون دکتر ایران شناس است و در یکی از دانشگاههای آلمان زبان فارسی تدریس می کند، چگونگی گزینش و گسیل دانشجویان را به دانشگاههای کشورهای اروپایی برای من شرح داد. می گفت دکتر خانلری اساتید مهم شاخه های گوناگون رشته ایران شناسی را که در دانشگاههای معتبر جهان تدریس می کردند و در رشته تخصصی خود صاحب کرسی استادی بودند، به خوبی می شناخت. از این سوهم دانشجویان ایرانی با استعداد را صرفاً بر اساس استعداد و شایستگی آنان، و نه بر پایه توصیه های این مقام دولتی یا آن شخصیت صاحب نفوذ، برمیگزید و با دادن بورس، آنان را برای ادامه تحصیل زیر نظر این استادان به دانشگاههای خارج اعزام می کرد.

به هر حال، بعد از انقلاب ۱۳۵۷، این اقدامات و کوششها متوقف شد و تماس با دانشگاهها و مؤسسات علمی که در حوزه تحقیقات و مطالعات ایران شناسی پیشینه طولانی داشتند و از اعتبار بسیار برخوردار بودند، عملاً قطع شد. در چند سال اخیر ظاهراً مسؤولان امور به زیانهای قصور و بی توجهی خود پی برده اند و در این جا و آن جا کوششهایی هر چند کوچک در جهت گسترش زبان فارسی و همکاری و تبادل نظر با نهادهای علمی انجام می گیرد که انتشار مجله « پژوهشهای ایران شناختی » به زبان آلمانی نیز به همین منظور

صورت گرفته است. دست اندرکاران مجله نیز به وضوح این خواست را عنوان می کنند و امیدوارند که از طریق انتشار این مجله بتوانند به نزدیکتر شدن هر چه بیشتر دو حوزه ایران شناسی در آلمان و ایران یاری رسانند و از طریق تبادل نظرهای علمی، بر توان روش شناختی و غنای اطلاعاتی هر دو حوزه بیفزایند و هدف خود را در انتشار این مجله علاوه بر انتشار مقالاتی در زمینه های گوناگون ایران شناسی، همچون زبان و ادبیات، تاریخ و جغرافیا، مذهب، هنر و مردم شناسی، نقد و معرفی آثاری نیز که در آلمان و ایران در زمینه های گوناگون ایران شناسی به چاپ می رسد می دانند و امیدوارند که پژوهشگران و محققان با ارائه مقالات و نقدهای خود، آنان را در انتشار این مجله یاری رسانند.

اما نگاهی به مقالات و نقدهایی که در نخستین شماره این مجله آمده است:

اولین مقاله و ظاهراً مقاله اصلی این شماره از پروفسور یاکوب زایبرت، استاد تاریخ باستان دانشگاه مونیخ آلمان است با عنوان «جاده های شاهی در عصر هخامنشی». مؤلف در این مقاله کوشیده است تا بر اساس حدود سی هزار گیل نبشته هایی که در سال ۱۹۳۴ میلادی در حفاریهای گوشه شمال شرقی صفت تخت جمشید به دست آمد و تا کنون دوهزار لوح آن منتشر شده است، به بررسی منازل، مرتبه مسافران و مأموریتهای مسافران در جاده های گسترده ای که مناطق گوناگون امپراتوری عظیم هخامنشی را به یکدیگر متصل می کردند، بپردازد.

مقاله دوم نوشته دکتر تورج رهنماست با عنوان «نخستین نسل داستان نویسان نوین ایرانی». دکتر رهنما در این مقاله چنان که از عنوانش پیداست تنها به معرفی و بررسی آثار پیشگامان داستان نویسی پرداخته و فقط چهار تن از نویسندگان، یعنی علی اکبر دهخدا، محمد علی جمالزاده، صادق هدایت و بزرگ علوی را در محدوده تحقیق خود جای داده است. به رغم جالب بودن این مبحث، متأسفانه این مقاله تکرار مقدمه ها و پیشگفتارهایی است که مؤلف پیش از این بر ترجمه های آلمانی برخی از داستانهای این نویسندگان که به صورت مجموعه داستان منتشر شده است نگاشته بود و چیز تازه ای در بر ندارد.

خانم دکتر ایرمگارد آکرمان از دانشگاه مونیخ نیز در مقاله خود پس از اشاره ای کوتاه به چند نویسنده غیر ایرانی نامدار که به کشورهای دیگر مهاجرت کرده و آثار خود را به زبان مردمان کشور میزبان نوشته اند (یوزف کنراد لهستانی، ولادیمیر ناباکوف روسی، ساموئل بکت ایرلندی، اوژن اونسکورومانیایی و طاهر بن جلون مراکشی)، به معرفی چند نویسنده خارجی که به زبان آلمانی می نویسند پرداخته و از میان ایشان بیشتر به سیروس

آتابای، شاعر آلمانی زبان ایرانی توجه داشته است؛ از این رو عنوان «صدایی آلمانی از ایران: سیروس آتابای شاعر» را برای مقاله خود برگزیده است. سیروس آتابای (۱۹۲۹ تا ۱۹۹۶ میلادی) خواهرزاده محمد رضا پهلوی، آخرین شاه متوفی ایران بود. او که از سن هشت سالگی در آلمان زندگی می کرد، به زبان آلمانی بیش از زبان مادریش تسلط داشت. با این همه افزون بر شعرهایی که به زبان آلمانی سرود، چند ترجمه خوب از آثار شاعران ایرانی و از آن جمله ترجمه رباعیات خیام، غزلیات حافظ و مولانا به زبان آلمانی از او به جا مانده است.

از دیگر مقاله های مجله پژوهشهای ایران شناختی «تلقی گوته از حافظ در دیوان غربی- شرقی» است که بر اساس پژوهشهای گذشتگان نگاشته شده و نکته تازه ای در بر ندارد. ترجمه مقاله ای نیز از دکتر نصرالله پورجوادی، مدیر مرکز نشر دانشگاهی با عنوان «مولوی و تصوف خراسان» در نخستین شماره مجله درج شده است که متأسفانه نام مترجم که بی تردید در ترجمه مقاله زحمت بسیار کشیده، در پای نوشته درج نشده است. «حرکت ایران به سمت تجدد در آینه تمبرهای دوره ناصرالدین شاه» نوشته رومان زیرتس، و «مفعول کسره اضافه، واسطه ای نحوی در فارسی» از امید طیب زاده، از دیگر مطالب این شماره است. چکیده این مقاله ها نیز به زبانهای انگلیسی و فارسی در مجله درج شده است.

مجله روی هم رفته به صورتی خوب تدوین و چاپ شده است و به ندرت غلط چاپی در آن یافت می شود. البته این اولین بار نیست که مرکز نشر دانشگاهی در تهران مجله ای به زبان خارجی انتشار می دهد. مرکز نشر سالهاست که مجله «لقمان» را نیز به زبان فرانسوی منتشر می کند. ولی به رغم کوششی که دست اندرکاران مجله آلمانی زبان پژوهشهای ایران شناختی برای ارائه مقالاتی جدید در زمینه های گوناگون ایران شناسی انجام داده اند، باز این مجله قدری بوی کهنگی می دهد. واقعیت این است که مطالعات ایران شناسی در آلمان چندی است که از محدوده تحقیقات سنتی و کلاسیک پیشین بیرون آمده و گستره پژوهشهای خود را وسیع تر کرده است. اگر در گذشته دانشجویان رشته ایران شناسی فلان دانشگاه آلمان مثلاً فصلی از سوانح احمد غزالی یا حکایتی از گلستان سعدی را باید به آلمانی ترجمه می کردند، امروزه دانشجویان رشته ایران شناسی دانشگاه بامبرگ، در کنار کار بر روی متون کهن، برای مثال داستانهای کوتاه عباس معروفی، داستان نویسی ایرانی را زیر نظر استادان خود به آلمانی ترجمه می کنند. لازم به تذکر است که رشته ایران شناسی دانشگاه بامبرگ آلمان به سرپرستی پروفیسور برت فراگنر، در سالهای اخیر

به گونه ای چشمگیر به فعالیتهای خود افزوده و اعتبار بسیار کسب کرده است. تحقیقات در زمینه های گوناگون، برگزاری سمینارهایی با موضوعات متنوع، انتشار کتاب و اعزام دانشجویان به کشورهای فارسی زبان از جمله این فعالیتهاست. به تازگی دوازده تن از دانشجویان رشته ایران شناسی این دانشگاه با همکاری استادان خود، دکتر روکسانه هاگ - هیگوجی و دکتر فرامرز بهزاد، سه داستان کوتاه از عباس معروفی را به آلمانی ترجمه و با عنوان «رشته تسبیح» در مجموعه انتشارات دانشگاه بامبرگ به صورت کتابی جالب منتشر کرده اند.^۲ یا در رشته ایران شناسی دانشگاه ماینز یکی از دانشجویان اخیراً رساله کارشناسی ارشد خود را درباره زندگی و آثار فروغ فرخزاد با موفقیت به انجام رساند.

این همه نشان می دهد که پژوهشهای ایران شناسی، دست کم در آلمان، به تدریج از محدوده سنتی گذشته فراتر می رود و اگر نتوان گفت که هویت تازه ای یافته، حداقل می توان ادعا کرد که وارد مرحله تازه ای شده است و نسلی تازه از ایران شناسان در راه است. از این رو هر نشریه و مجله ای که با هدف گسترش مطالعات و تحقیقات ایران شناختی منتشر می شود، ناگزیر باید با نگاهی نو به این گستره پهناور بنگرد و مقاله ها و نقدهای خود را با وضع جدید تطبیق دهد.

ورسات، آلمان

یادداشتها:

۱- برای آشنایی بیشتر با احوال و آثار این شاعر آلمانی زبان ایرانی تبار به کتابی که دوستان او در بزرگداشتش به زبان آلمانی منتشر کردند مراجعه کنید:

Poet und Vagant. Der Dichter Cyrus Atabay, Herausgegeben von Werner Ross, München 1997.

۲- Die Gebetskette, Abbas Maroufi. Hrsg. Von Framarz Behzad und Roxane Haag

Higuchi. Bamberg: Univ.-Bibliothek, 1997

حسین منتظم

آمدن شاه بهرام ورجاوند

تدوین، ترجمه و توضیح از بیژن غیبی

انتشارات نمودار، بیله فلد، آلمان، سال ۲۰۰۰، صفحات ۲۲، بها (؟)

یک نویسنده فرانسوی، اهل فضل را به دو بخش می کند: آنان که از فضلشان خود